



جایگاه ضابطان دادگستری و بازپرس در
تحقیقات مقدماتی جزایی در آیین دادرسی کیفری ۹۲

تالیف:

خیرعلی نورالله پور ارچی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	:	نورالله پورارچی، خیرعلی، ۱۳۵۹ -
عنوان قراردادی	:	ایران، قوانین و احکام
عنوان و نام پدیدآور	:	جایگاه ضابطان دادگستری و بازپرس در تحقیقات مقدماتی جزایی در آیین دادرسی کیفری ۹۲ / تالیف خیرعلی نورالله پورارچی.
مشخصات نشر	:	تهران: قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۱۴۸ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۹۴-۷:
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	ضابطان دادگستری -- ایران -- شرح وظایف
موضوع	:	Bailiffs -- Iran -- Job descriptions
موضوع	:	ضابطان دادگستری -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران
موضوع	:	Bailiffs -- Legal status, Laws, etc. -- Iran
موضوع	:	آیین دادرسی جزایی -- ایران
موضوع	:	Criminal procedure -- Iran
رده بندی کنگره	:	۱۳۹۶ ج۲ / ۱۶۳۴ KMH
رده بندی دیویی	:	۳۴۷/۵۵۰۱۶
شماره کاتالانسی ملی	:	۴۶۸۷۸۶۸

انتشارات قانون یار

جایگاه ضابطان دادگستری و بازپرس در تحقیقات مقدماتی

جزایی در آیین دادرسی کیفری ۹۲

تألیف: خیرعلی نورالله پور ارچی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-94-7

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

مقدمه	۷
فصل اول	۹
کلیات	۹
فصل دوم	۳۷
بررسی و شناخت دقیق دادسرا به عنوان مرجعی در رسیدگی‌های کیفری	۳۷
فصل سوم	۶۷
مفهوم و شناخت جرم مشهود	۶۷
فصل چهارم	۷۱
اختیارات ضابطین دادگستری در جرائم مشهود	۷۱
فصل پنجم	۹۱
حفظ آثار و دلائل جرم و تحقیق از متهم	۹۱
فصل ششم	۱۰۵
گستره اختیارات بازپرس و اصول حاکم بر روند بازپرسی	۱۰۵
در فرایند دادرسی کیفری	۱۰۵
منابع و مآخذ	۱۴۷

مقدمه

ضابطان دادگستری، به دلیل وظایف حساسی که برعهده آنان گذاشته شده است، از اهمیت خاصی برخوردارند. به همین دلیل، قانون‌گذار طی مباحث اولیه قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب، و همچنین قانون جدید آیین دادرسی کیفری به موضوع ضابطین و وظایف آنان پرداخته است. آنچه مسلم است، اولین برخورد مقامات قانونی با جرایم ارتكابی، توسط ضابطین صورت می‌پذیرد و به عقیده متخصصان علوم جرم‌یابی، چنانچه این برخورد اولیه، توأم با دقت، هوشیاری، نکته‌سنجی و ارتباط منظم وقایع نباشد، سنگ‌بنای اولیه پرونده کیفری، کج نهاده خواهد شد و قاضی نیز که مدارک مکتوب در پرونده‌ها بیشترین ادله او برای تصمیم‌گیری است، به سبب سستی دلایل و مدارک جمع‌آوری شده، از صدور رأی متناسب عاجز مانده و در این رهگذر، اهداف مجازات که عبارتست از تنبیه مقصر، ارباب سایرین، تشقی خاطر مجنی‌علیه و سایر امور، حاصل نمی‌شود، و نتیجه آن، تجرّی مجرمین و یأس و دلسردی مردم نسبت به دستگاه‌های انتظامی و قضایی خواهد بود که اثر مستقیمی بر افکار مردم نسبت به حکومت خواهد داشت. علاوه بر آن ضابطانی که بدنه اصلی پرونده‌های کیفری را طراحی و تدارک می‌نمایند و به‌طور مستقیم با جان و مال و اعراض و حیثیت شهروندان سروکار دارند و کوچک‌ترین مسامحه‌ای از طرف آنان ممکن است لطمات جبران‌ناپذیری به حقوق اشخاص وارد نمایند بی‌گمان تحقیقات مقدماتی به‌عنوان مرحله‌ای که در آن دلایل له و علیه متهم جمع‌آوری می‌شود و در این مسیر از ادامه تعقیب مصون مانده یا به مرحله قضاوت و احتمالاً محکومیت هدایت می‌شود مرحله‌ای مهم از مراحل دادرسی کیفری است مرحله‌ای که در قوانین اکثر کشورها خصوصاً در قانون آیین دادرسی کیفری به شکل کیفیت و چگونگی انجام آن، حقوق و تکالیف طرفین و ضابطان توجه ویژه‌ای معمول شده است.

فصل اول

کلیات

مبحث اول: مفهوم ضابطین دادگستری

گفتار اول: تعریف ضابط در فرهنگ لغات

در فرهنگ لغت دهخدا^۱ و در باب تعریف ضابط چنین آمده است: فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه ضبط مدینه و سیاست آن را از طرف سلطان بس باشد. شحنة - گرد عالم گشتن چه سود پادشاه ضابط باید (ابوالفضل بیهقی). پادشاه ضابط باید چون ملکی و بقعی بگیرد و آن را ضبط نتواند کرد و زود دست بمملکت دیگر یازد. (ابوالفضل بیهقی، ص ۹۰) ما را خداوندی گماشت عادل و مهربان و ضابط (ابوالفضل بیهقی) میر؛ انه لمبر بذلک؛ ای ضابط له. رجل ضابط؛ مرد هشیار و توانا و سخت. (منتهی الارب) شتر قوی سخت. (منتهی الارب). شیر بیشه. (منتهی الارب) در اصطلاح درایه. متقن مثبت. ج؛ ضابطون و ضباط و ضوابط.

ضابط: فراهم آورنده، نگاهدارنده، نگاهدارنده چیزی، آنکه شهری را از طرف سلطان اداره کند. شحنة. حاکم. والی. مامور وصول مالیات. در اصطلاح درایه؛ متقن مثبت؛ ضابطون. ضباط. ضوابط.

پلیس: پاسبان اداره شهرانی (نظمیه) عسس. محتسب. مجموعه نیروهای انتظامی حافظ نظم و امنیت جامعه. مجازاً؛ محل استقرار این نیروها.

^۱ دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، جلد نهم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۳۳۷



پلیس راه: بخشی از نیروهای انتظامی که انتظامات رفت و آمد و سائط نقلیه در راه ها و در شهرها را بر عهده دارد. هر یک از ماموران آن سازمان.

پلیس مخفی: مامور پلیسی که لباس خاصی ندارد تا شناخته نشود و پلاکی دارد که هنگام ضرورت ارائه می کند.

و اما در فرهنگ لغت معین^۲ ضابط این گونه تعریف گردیده است: ۱- نگاهدارنده؛ حفظ کننده ۲- آنکه شهری را از جانب سلطان اداره کند؛ شهنه؛ ۳- حاکم؛ والی ۴- (درایه) متقن؛ مثبت ۵- نیرومند؛ قوی ۶- محصل مالیات ۷- ممیز و مفتش حساب ۸- مباشر؛ ج. ضابطون؛ ضابطین - ضابط؛ ضوابط.

پلیس: شهربانی؛ نظمیه ۲- پاسبان؛ آژان؛ عسس؛ محتسب اداره سه. سر - کلانتری (فره). سه مخفی. کارآگاه (فره)

پلیسی: منسوب به پلیس - داستان پلیسی

ضابط در فرهنگ لغت عمید^۳ نیز این گونه تعریف گردیده: نگاهدارنده؛ حفظ کننده قوی؛ نیرومند؛ حاکم؛ قائد؛ مرد باهوش؛ ضباط؛ جمع

پلیس: نظم؛ انتظام؛ اداره شهربانی؛ پاسبان شهربانی

پلیس مخفی: کارآگاه

گفتار دوم: تعریف ضابط از دیدگاه حقوقدانان

آخوندی^۴ در تعریف ضابط آورده است: ضابطان دادگستری یا پلیس قضایی مامورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان عمومی یا سایر مراجع قضایی در کشف و تحقیق مقدماتی جرم؛ حفظ آثار و دلایل آن و جلوگیری از فرار و اختفای متهم به موجب مقررات قانون اقدام می کنند.

آشوری معتقدند؛ که ضابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی برای کشف جرم؛ بازجویی مقدماتی از متهم و نیز جلوگیری از فرار یا پنهان شدن او و سرانجام حفظ آثار و دلایل جرم طبق ضوابط قانونی؛ اقدام می کنند.

^۲ دکتر معین، محمد، فرهنگ معین، زین، ۱۳۸۶، ص ۹۵۵

^۳ دکتر عمید، حسن، فرهنگ عمید، امیر کبیر، ۱۳۶۹، ص ۱۳۷۷

^۴ آخوندی، محمد، انتشارات همت، چاپ هفتم، جلد اول ص ۱۶۳



خالقی^۵ معتقدند: ضابطين دادگستری بازوی اجرایی دادرها و دادگاهها در انجام وظایفشان هستند که قانون تکالیف زیادی بر عهده ضابطين دادگستری قرار داده که از نخستین لحظه‌های پس از وقوع جرم تا واپسین دقایق اجرای مجازات را در برمی‌گیرد و شامل کشف جرم؛ گزارش وقوع آن به دادرها؛ جلوگیری از محو دلایل و آثار جرم؛ ممانعت از فرار متهم انجام دستورات مقامات قضایی در تحقیق و بازجویی و ابلاغ اوراق قضایی می‌شود

و اما جوانمرد معتقدند: ضابطين در لغت به معنای مباشر؛ حفظ کننده و نگاهدارنده هر چیزی به حد خودش می‌باشد در اصطلاح حقوقی؛ ضابطين؛ بازوی اجرایی دادرها و دادگاهها در راستای انجام وظایفشان می‌باشند. قانونگذار در قوانین مختلف حسب مورد از زمان کشف جرم تا مرحله اجرای مجازات تکالیفی بر عهده ضابطين قرار داده است.

گفتار سوم: تعریف ضابط در قوانین موضوعه ایران

بند اول: تعریف ضابط در قانون سال ۱۲۹۰

در مورد ضابطان قضایی می‌توان گفت: کسانی اند که علی‌رغم ابلاغ و پایه قضایی وظایف و اختیارات ضابطين دادگستری را دارا بوده به عنوان مثال در قانون آ.د.ک مصوب ۱۲۹۰ دادستان و بازپرس جزو ضابطين دادگستری بوده اند که خود این برگرفته از مقررات قانون تحقیقات جنایی قدیم فرانسه صورت گرفته بود.

بند دوم: تعریف ضابط در قانون سال ۱۳۳۰

قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۰ در ماده ۱۹ خود می‌گوید؛ ضابطان عدلیه عبارتند از: مامورین که مکلفند به تفتیش و کشف جرائم (خلاف و جنحه و جنایت) و با اقداماتی که برای جلوگیری مرتکب از فرار یا مخفی شدن موافق مقررات قانون باید بعمل آید.

بند سوم: تعریف ضابط در قانون سال ۱۳۷۸

در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ در ماده ۱۵ خود می‌گوید؛ ضابطين دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

^۵ خالقی، علی، انتشارات شهر دانش، چاپ بیست چهارم



- ۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- روسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.
- ۳- مامورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.
- ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.
- ۵- مقامات و مامورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.

تبصره: گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد.

بند چهارم: تعریف ضابط در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۳

در قانون آیین دادرسی کیفری جدید مصوب ۱۳۹۳ در ماده ۲۸ خود می گوید: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضائی، به موجب قانون اقدام می کنند.

گفتار چهارم: وجه مشخصه های وظایف ضابطین دادگستری در قانون مصوب

سال ۷۸ و مقایسه آن قانون جدید

۱- شاید مهمترین چالشی که دستگاه قضایی و ضابطین در ارتباط با قلمرو وظایف ضابطین با آن مواجه می شدند تعریف ضابطین دادگستری در ماده ۱۵ ق.آ.د. کیفری مصوب سال ۷۸ باشد که بدین لحاظ همیشه این تعریف کلی مشکلات عدیده ای را (بالاخص برای مقامات ارشد نیروی انتظامی) به همراه داشته است. چرا که هر یک از مقامات قضایی (حتی دادیاری در یکی از دورافتاده ترین شهرهای کشور) فرمانده نیروی انتظامی کشور را هم ضابط خود قلمداد می نمود و این باعث تنش های زیادی در اقصی نقاط کشور گردید و به همین علت مدت های مدیدی بر تعریف جامع و دقیق از ضابطین بحث های فراوانی بین دو دستگاه وجود داشته است و شاید بتوان گفت بر اثر همین چالش بوده که ماده ۲۸ قانون جدید تعریف جدیدی از ضابطین را ارائه نموده و هر چند همین تعریف نیز جامع و کامل نمی باشد و بنظر



می‌رسد در عمل مقامات نیروی انتظامی را با مشکلات جدیدی مواجه خواهد ساخت و به‌عنوان مثال به موارد زیر بایستی اشاره نمود:

الف) نیروی انتظامی مختار خواهد بود فقط کسانی را که خود می‌خواهد مورد آموزش قرار داده تا بعنوان ضابط، به اعمال ضابطیت بپردازد و بالطبع دستگاه قضایی این را نخواهد پسندید و افکار متفاوتی خواهد داشت.

ب) چنانچه فرماندهان ارشد خود را ضابط ندانند و مورد آموزش قرار نگیرند بالطبع ضابط دادگستری محسوب نخواهند شد و در این صورت نمی‌توانند در مواجهه با جرایم مشهود اقدامی انجام دهند و این عمل (بالاخص در مواقع حساس و بحرانی نظیر شورش‌ها و ناآرامی‌های خیابانی و...) آنها را با چالش جدی مواجه خواهد ساخت.

ج) در تعریفی که در ماده ۲۹ قانون جدید، از ضابطان عام بعمل آورده تا حدودی مشکلاتی را که کارکنان ستادی ناجا در مواجهه با تعریف ضابطین داشته‌اند مرتفع نموده لیکن همین امر مشکل جدیدی را هم بوجود خواهد آورد و آن مواقعی است که افراد ستادی ناجا در ایامی نظیر انتخابات، شورش‌ها و... به کمک دیگر کارکنان نیروی انتظامی وارد عمل می‌شوند و بالطبع در این مواقع اگر ضابط شناخته نشوند، چگونه خواهند توانست وظیفه حفاظت از صندوق‌های رای را بعهده بگیرند و یا در مواقع بحرانی و مواجهه با جرایم مشهود اقدام لازم را معمول دارند.

د) چالش دیگر از تبصره ماده ۲۹ قانون جدید نشات می‌گیرد و با عنایت باینکه بسیاری از امور نیروی انتظامی توسط کارکنان وظیفه صورت می‌گیرد ضابط ندانستن آنها هم ناجا را با مشکلات عدیده‌ای (بدلیل کمبود نیروی لازم) مواجه خواهد ساخت. هر چند محسناتی را هم خواهد داشت و آن هم مشکلاتی است که سربازان وظیفه در امور محوله داشته‌اند و در بسیاری از موارد، عدم کارآیی آنان از حضور آنان، پررنگ‌تر بوده است. ضمن اینکه مسئولیت و ابتکار عمل را به ضابطین محول کرده که تا حدود زیادی از مشکل ذکر شده جلوگیری خواهد نمود.

۲- در مقایسه ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید با ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ تقریباً همین ماده تکرار شده است. تنها اختلاف آنها حذف عبارت بازجویی مقدماتی از قانون جدید است.



لازم به ذکر است که که چنین وظیفه‌ای برای ضابطان در قانون آیین دادرسی ۱۲۹۰ نیز پیش‌بینی نشده بود. با این حال می‌توان گفت بازجویی مقدماتی ازجمله وظایف ضابطان است زیرا با وجود عبارت تحقیقات مقدماتی در متن ماده ۲۸ قانون جدید؛ قطعاً می‌توان بازجویی مقدماتی را هم یکی از مصادیق تحقیقات مقدماتی بشمار آورد. ضمناً از مابقی مواد قانون جدید (همچون ماده ۴۲) که مقرر می‌دارد: بازجویی و تحقیقات از زنان و افرادی که سن آنها پانزده سال یا کمتر از آن است در صورت امکان باید توسط ضابط آموزش دیده زن انجام شود، می‌توان فهمید همچنان بازجویی مقدماتی از وظایف ضابطان است.

۳- در قانون جدید برخلاف ق.ا.د.ک ۱۳۷۸؛ ضابطان خاص از ضابطان عام بصورت مشخص تفکیک شده است. این شکل از تقسیم بندی قبل از این در کتب حقوقدانان مختلف آورده شده بود.

۴- برخلاف ق.ا.د.ک سال ۱۳۷۸- در ماده ۲۹ قانون؛ عنوان ضابط عام تنها شامل فرماندهان، افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی شده است و لازم بذکر است که در ق.ا.د.ک ۱۳۷۸ نیروی انتظامی به صورت کلی ضابط دادگستری معرفی شده است.

با این توضیح که در ق.ا.د.ک ۱۳۷۸ اولاً؛ درجه ملاک نبوده و ثانیاً آموزش دیده بودن از شرایطی که ضابط می‌بایست دارا باشد نبوده است، در حالی که ماده ۳۰ قانون بصراحت ضابط بودن را منوط به فراگیری مهارت‌های خاص و گذراندن دوره آموزشی زیر نظر مقام قضایی و تحصیل کارت ضابط دادگستری می‌داند.

۵- در تبصره یک ماده ۴۵ قانون جدید آمده است که: در صورتی که برخی از جرایم احصا شده در این قانون بصورت مشهود واقع شود در صورت عدم حضور ضابطان، تمامی شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند که این از نکات جالب توجه قانون بحساب می‌آید و هر چند می‌توان تعارض را بین این تبصره و ماده ۳۰ مشاهده کرد.

۶- مورد دیگری که در قانون جدید آورده شده است و در قانون آیین دادرسی سال ۱۳۷۸ به آن اشاره‌ای نشده بود ذکر صریح ضابط نبودن کارکنان وظیفه است. این مورد در (تبصره ماده ۲۹ قانون جدید) بدین صورت نگارش یافته است: کارکنان وظیفه، ضابط دادگستری